

تأمین اجتماعی در اسلام

اسلام و تأمین اجتماعی؛ مبانی و راهکارهای حمایتی و بیمه‌ای در قرآن، روایات، اخلاق و فقه اسلامی

احمد قابل

موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی

■ یوسف کریمی

بلکه با پتانسیل بالای سلامتی گام‌های رشد و توسعه و در نتیجه دستیابی به رفاه بهتر را با صلابت و سرعت بیشتر خواهد برداشت. هر چند که خواب شیرین دولت‌های رفاه با دق‌الباب نولیبرالیست‌ها در سایه گسترش سیاست‌های جهانی‌شدن به پریشانی گراییده است اما این دلوپسی جدید با همه دغدغه‌هایش هرگز در بند نفی اصل رفاه و یا نقض سیاست‌های تأمین اجتماعی نیست بلکه جانمایه این نگاه ناشی از نجات دولت از زیان انباشته حاصل از تفاضل پرداختی‌ها نسبت به دریافتی‌ها و نهایتاً پیشگیری از به خطر افتادن اصل تأمین اجتماعی است و لذا با آزاد شدن سرمایه در سایه سیاست‌های جهانی و کوتاه‌شدن دست آمرانه دولت‌ها از سران و به تعلیق رفتن روزافزون مهمترین منابع درآمدی دولت، به نظر نولیبرال‌ها راه بخردانه‌تر، انتقال تلاش‌های عمده دولت از حوزه توانمندسازی به حوزه پیشگیری و تقسیم و واگذاری مسئولیت‌های رفاهی جامعه از دولت به حوزه‌های خاص است.

کشور ما هم از این تحولات تکاملی رفاهی در هیچ زمانی بی نصیب نبوده است. مردم ما اگرچه با داشتن همه‌ی امکانات و فرصت‌های لازم نتوانسته‌اند گام‌های توسعه را متناسب با شأن تمدنی خود بردارند اما در خدمات‌رسانی به مردم خصوصاً در حوزه بهداشت و درمان رشد چشمگیری داشته‌اند.

هرچند که سطح خدمات تأمین اجتماعی کشور ما در سطح تأمین بخشی از نیازهای فیزیولوژیکی بالاتر نرفته و در مقایسه با ممالک توسعه‌یافته فاصله فاحشی دارد اما در قیاس با سایر وضعیت جامعه از تناسب قابل قبولی برخوردار است و نقطه امیدوارکننده آن است که علاوه بر اقدامات عملی شاهد یکسری تحرکات بسیار ارزشمند نظری نیز در این عرصه هستیم که هریک از این آثار در جای خود قابل تحسین و ارزش‌والایی است.

یکی از آن آثار که در این نوشته غرض پرداختن اجمالی به آن است کتاب ارزشمند «اسلام و تأمین اجتماعی؛ مبانی و راهکارهای حمایتی و بیمه‌ای در قرآن، روایات، اخلاق و فقه اسلامی» است که

زمانی که شب سرد ظلمانی عصر وسطایی با طلوع خورشید روشنگری در غرب به پایان رسید، جوانه‌های سبز رشد و توسعه در عرصه‌های گوناگون به شکوفه نشستند و حاصل این شکوفه‌ها تولید انبوه و متنوعی از کالاهای صنعتی بود که در مدت بسیار کوتاه اقصی نقاط عالم را در هم نوردیدند. این حضور، فارغ از تبعات متعدد منفی خویش دارای یک پیامد بسیار روشن و مثبت برای بشریت در کاهش مشقت و مرارت‌ها و یا افزایش سطح رفاهی‌اش بود و همین افزایش سطح عمومی رفاه زمینه تقویت فرهنگ نوع‌دوستی و گسترش همبستگی‌های اجتماعی و توجه به رفاه پایدار را در ذهن کلان جوامع فراهم ساخت. از طرفی بازار تولید و سرمایه نیز دیگر همچون گذشته صرفاً متکفل تولید برای تأمین نیازها نبودند، بلکه برای حفظ روند حیات خویش با ابزارهای مختلف تبلیغی و فرهنگی که در اختیار داشتند تولید نیاز هم می‌کردند. با تولید نیاز، بازار مصرف افزایش پیدا می‌کرد و حاصل این فزونی در مصرف حتی برای جوامع مصرف قرضی هم چیزی جز رفاه نبود.

با تغییر و تحول در حوزه سیاست و پیدایش نظام‌های مبتنی بر دموکراسی پارلمانی و مؤثر شدن آرای مردم در به قدرت رساندن افراد و احزاب سیاسی، باز مجال دیگری برای توسعه سیاست‌های رفاهی از ناحیه دولتمردان برای جلب آرای بیشتر مردم پدید آمد و در گذر زمان تراکم تجارب سیاست‌های رفاهی مهمترین عامل در نهادینه کردن این رویکرد محسوب گردید تا جایی که بسیاری از دولت‌ها نام خود را دولت رفاه و سمت و سوی سیاست‌های کلان خویش را به امور رفاهی معطوف ساختند.

برآیند بسیار مثبت از فرآیند فوق، توجه خاص به بخش‌های فرو مانده یا فتاده از بازار کار است که به هر علت و عللی تحت حمایت تأمین اجتماعی با ساز و کارهای حمایتی و امدادی و بیمه‌ای قرار گرفته‌اند، تا حدی که امروزه سطح سیاست‌های رفاهی از توانمندسازی هم فراتر رفته و به حوزه پیشگیری وارد شده است. این پیشگیری قبل از درمان نه تنها فراغت از هزینه‌های بسیاری را فراهم می‌سازد



در حالی که مشکل امروزی دولت‌های رفاه در ایجاد تعادل بین دریافت‌های زمان اشتغال با پرداخت‌های متناسب با شرایط روز در زمان بازنشستگی یا از کارافتادگی ناشی از آزادسازی سرمایه از قید و بندهای ملی و محدودیت روز افزون سیاستگذاری در رابطه با اخذ مالیات برای تأمین ما به التفاوت آن است. دولت‌های اسلامی می‌توانند با بهره‌گیری از منابع حاصل از الزامات شرعی یا توصیه‌های اخلاقی و هدایت صحیح آن، منابع کسری لازم را جبران نمایند تا بخشی از بار سنگین تأمین از دوش دولت برداشته شود و یا زمینه افزایش سطح کیفی خدمات فراهم آید

حمایت‌های الزامی و غیرالزامی فصل اول را با استفاده از قول و رفتار و تقریر معصوم علیه‌السلام مورد تأکید قرار دهد. فصل سوم نیز همان راهکارها در منابع فقهی مورد کاوش قرار گرفته‌اند.

در دفتر سوم صنعت بیمه از نظر قرآن، روایات و فقه مورد بررسی قرار گرفته است. در این دفتر با معرفی احکام کلی از قبیل عهد و میثاق، صلح، ضمان، کفالت و دیات، ارتباط بین آنها و صنعت بیمه از منظر قرآن، سنت و فقه بررسی می‌شود.

بحث تأمین اجتماعی ضرورتاً از نوع عقدی نیست تا الزاماً طرفین برآن مترتب باشند بلکه از اقتضائات جوامع مدرن و نوعی الزامات قانونی است که خود نویسنده هم بدان اشاره دارد. از آنجا که به دلایل مختلف، آن همبستگی قومی و قبیله‌ای و حتی خانوادگی گذشته دیگر وجود ندارد تا چتر حمایت از دوران کهولت را باز نگهدارد، لذا بشر مدرن مجبور است با پس‌انداز بخشی از درآمد خود در زمان توانایی، به فکر تأمین نیازهای خویش در دوران ناتوانی باشد و دولت به عنوان متولی عمومی و امین جامعه که بخشی از منابع عمومی جامعه را نیز در اختیار دارد، مسئولیت این دریافت و پرداخت را متکفل شده است.

امروزه حتی فلسفه دولت‌های رفاه هم نمی‌تواند از دو حالت خارج باشد، یا آنکه دولت رفاه برآمده از آرای مردم است و مردم به دولت خود وظایف رفاهی را هم در کنار سایر وظایف محول کرده‌اند و یا اینکه در یک قرارداد نانوشته رویکرد رفاهی در دولت‌ها معوض آرای اخذ شده از مردم می‌باشد. به نظر می‌رسد جایگاه شرع در این عرصه با اتکا به قاعده اضطرار بنا بر عدم مغایرت است و بس. الزامات مستقیم و غیرمستقیم مورد اشاره در متون شرع و اخلاق که همه مبتنی بر خیر و صلاح بشری پایه‌گذاری شده‌اند نه تنها در تسهیل و روان‌سازی چرخش چرخ تعامل اجتماعی بی‌تأثیر نیستند بلکه مکمل بسیار اثربخشی‌اند که اهتمام بر ترویج و تبلیغ آنها چه از ناحیه قائلین به تعمیم مطلق و یا قائلین به تخصیص نسبی می‌تواند زمینه بومی‌سازی هر چه بهتر قوانین را فراهم سازد، در حالی که مشکل امروزی دولت‌های رفاه در ایجاد تعادل بین دریافت‌های زمان اشتغال با پرداخت‌های متناسب با شرایط روز در زمان بازنشستگی

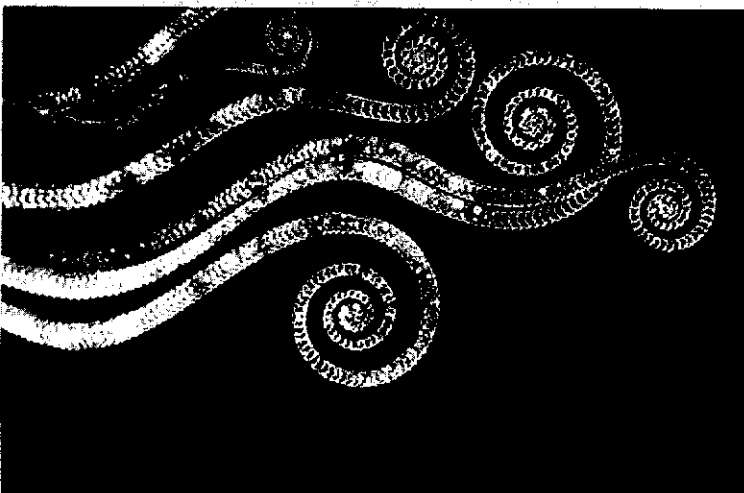
توسط آقای احمد قابل و به سفارش مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی به رشته تحریر درآمده است. این کتاب در سه دفتر تحت عنوان اسلام، اهداف و مبانی تأمین اجتماعی، اسلام و راهبردهای حمایتی و اسلام و راهبردهای بیمه‌ای تنظیم شده و هریکی از این عناوین به زیرفصل‌هایی تقسیم و مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. در فصل نخست از دفتر اول به کلیاتی در رابطه با تأمین اجتماعی پرداخته شده و نسبت آن با دین اسلام بواسطه غیر عبادی بودن، تحت عنوان معاملات از احکام امضائی دانسته شده است.

در فصل دوم مبانی تأمین اجتماعی در قرآن مورد بررسی قرار گرفته و سعی شده است تا آیاتی که به نوعی می‌توان در آنها تأکیدات عام‌المنفعه را استنباط کرد، به عنوان مبانی تأمین اجتماعی مورد استناد قرار گیرند.

در فصل سوم ضمن مذاقه پیرامون مبانی تأمین اجتماعی در حوزه روایی، تلاش شده است تا در بین سخنان معصومین بخش‌های موافق با ضرورت توجه به مشکلات قشر آسیب‌پذیر شناسایی گردد. در فصل چهارم نقش مثبت اخلاق اسلامی به عنوان عامل مؤثر در تقویت سیاست‌های تأمین اجتماعی پرداخته شده و نهایتاً در فصل پنجم مباحث اخلاق اعم از فضائل و ردائل و آثار و پیامدهای مثبت و منفی هریک از آنها در رفتار انسانی مورد توجه قرار گرفته است.

دفتر دوم در سه فصل، با عناوین راهبردهای حمایتی در قرآن، راهبردهای حمایتی در سنت و راهبردهای حمایتی در فقه تدوین یافته است. نویسنده راهبردهای حمایتی در قرآن را تحت چهار عنوان راهبردهای حمایتی الزامی مثل زکات، راهبردهای غیرالزامی مانند از عطیه و هبه، بر و احسان،

قرض‌الحسنه، راهبردهای مشترک (الزامی و غیرالزامی) مانند انفاق و راهبردهای غیرمستقیم حمایتی از قبیل ولایت حسبه (سرپرستی دوستانه)، عهد و پیمان (میثاق)، نذر و وصیت دسته‌بندی کرده است. وی در این بخش تلاش کرده است تا ضمن نشان دادن مستندات این احکام و اخلاقیات در قرآن کریم، تأثیرات مثبت اجتماعی آنها را در کاهش آلام مختلف جامعه اثبات نماید. در فصل دوم نویسنده در پی آن است تا همان مصادیق



لایتحل را به فقه فقیهان مستند گرداند.

نویسنده کتاب می‌توانست در تاریخ اسلام از اصحاب صغه به عنوان مبنای توجه و دقت حکومت اسلامی به قشر آسیب‌پذیر استناد کند که آن را اولین اقدام پیامبر (ص) برای تحت پوشش قرار دادن بخش پایین جامعه می‌دانند تا فشار فقر زمینه‌ساز خروج آنها از ساحت عقل و عقیده و اخلاق نگردد. شاید این برهه از تاریخ اسلام آنهم بدست پیامبر (ص) در قلب حکومت اسلامی یعنی مسجدالنبی بسیار مرتبط‌تر از حکم ذکات باشد که به فتوای قریب به اتفاق فقها به انعام ثلاثه و غلات اربعه و تقدین محصور و اولویت مصرفش در بین اقربای نیازمند است و یا کمک‌های شبانه مولای متقیان در ارزاق‌رسانی به خانواده‌های مستمند گواه گویایی بر ضرورت اهتمام دولت اسلامی در پوشش فقرا در حوزه‌های مختلف روحی و روانی و جسمی است. منبع کمک‌های مولا به نیازمندان یا شخصی بوده و یا عمومی، آنچه که بر اساس روایات تاریخی مسلم است توان مالی مولا در حدی نبوده است که بتواند مانند اموال عظیم حضرت خدیجه (س) عامل تألیف قلوب باشد و بسیار واضح است که کمک‌های مولا از منابع عمومی صورت گرفته که در اختیار امام مسلمین قرار داشته است.

وقتی حکومت اسلامی خود را ملزم به تأمین حداقل‌ها برای بخش نیازمند می‌بیند دیگر تفاضل دریافت به پرداخت را برای زیاده و تطول زمانی را برای نسیه نامیدن کمی ثقیل به نظر می‌رسد. لذا امید است باب اجتهاد دین مقتوح‌تر از گذشته، در روزآمد کردن احکام دینی و تطبیق سهل و روان رفتارهای فردی و اجتماعی، با تجویزات و تهنیهات شرعی، زمینه تلاش و جهد بالا و والای جامعه در تمام شئون زندگی توأم با رجائی واثق به رستگاری اخروی را روز به روز بیشتر فراهم سازد و نگاه امید‌دراين انتظار بجا به نواندیشان چون جناب قابل‌بیش از دیگران است تا با دید روشن خویش سایر واقعیت‌های اجتماعی را نیز از نگاه شریعت به کنکاش گرفته تا سیل اعتدال را از دل افراط و تفریط و تحجر و تجدد هموار سازند.

یا از کارافتادگی ناشی از آزادسازی سرمایه از قید و بندهای ملی و محدودیت روز افزون سیاستگذاری در رابطه با اخذ مالیات برای تأمین ما به‌التفاوت آن است.

در این راستا دولت‌های اسلامی می‌توانند با بهره‌گیری از منابع حاصل از الزامات شرعی یا توصیه‌های اخلاقی و هدایت صحیح آن، منابع کسری لازم را جبران نمایند تا بخشی از بار سنگین تأمین از دوش دولت برداشته شود و یا زمینه افزایش سطح کیفی خدمات فراهم آید و یا با بهره‌گیری از بیمه برای جبران خسارت ناشی از حوادث غیرمترقبه و پوشش ریسک‌های پیدا و پنهان که عامل بسیار مهمی در ریزش ناگهانی افراد از بازار کار است، در جهت حفظ توانمندی جامعه و تأمین بسیاری از ضرورت‌های حمایتی و امدادی تلاش نماید. هراندازه نظام بیمه‌ای جامعه پویا باشد و بتواند در ساماندهی درآمد‌های خود برای پوشش روزآمد هزینه‌های آینده نقش کاری و به موقع خویش را ایفا نماید، به همان میزان از سطح نیازهای امدادی و حمایتی جامعه کاسته می‌شود زیرا چتر حمایت بیمه همیشه و همه جا بر سر افراد گشوده و مانع سقوط آنها از سطح حداقل تأمین و یا باعث توانمندسازی و بازگشت دوباره آنها به جایگاه اجتماعی خویش خواهد شد و تکلیف شرعی همه امورات بیمه را می‌توان با همین فتوای کوتاه و عمیق مرحوم آیت‌الهدی خوئی که آن را تحت هبه معوض می‌داند، پاسخ گفت.

نویسنده محترم در دسته‌بندی مطالب تلاش کرده است تا الزامات شرعی و اخلاقی را از چهار زاویه آیات، روایات، اخلاق و فقه مورد بررسی قرار دهد که این اقدام از دو منظر قابل تأمل است؛ یکی اینکه اگر منظور نویسنده استنباط احکام چه از نوع مبانی و یا راهبردی تأمین و بیمه‌ای از منابع دینی بوده باشد، لاجرم عقل و اجماع بجای اخلاق و فقه می‌بایست در ردیف آیات و روایات مورد استفاده قرار می‌گرفت. دیگر اینکه اگر هدف نویسنده محترم بجای استنباط حکمی، دستیابی به تصریحات لازم در رابطه با تأمین اجتماعی در منابع شرعی باشد که در این صورت نیز ضرورتی در بررسی طولی موضوع در عرصه آیات، روایات، اخلاق و فقه برای تأیید الزامات و یا تأکیدات مورد نظر نبوده است چراکه این آیاتند که به عنوان کلام حق مبداء و مبنای تمامی روایات، اخلاق دینی و استنباطات فقهی هستند و به عبارتی چو صد آمد نود هم پیش ماست. مثلاً وقتی که اهمیت زکات در منبع وحیانی نص صریح دارد، تأیید آن به تأکید سایر منابع مشتقی، مُعَرَف را اجل از مُعَرَف گرفتن است در حالیکه سیره معمول در مطابقت امری با منابع شرعی رعایت ترتیب اهمیت در دستیابی به نتایج مورد تطبیق است. بدین معنا که اگر برای مطابقت موضوعی با احکام شرع مقدس مستنداتی در منابع آیاتی حاصل شد ضرورتی بر تمسک به سایر منابع از قبیل سنت یا اخلاق و فقه باقی نخواهد ماند مگر آن که بخشی از آن، متوجه تشابهات باشد تا ضرورت احتیاط، رجوع به سخن معصوم را مسلح سازد و یا عدم تواتر در روایات بخش